

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0378

<http://hdl.handle.net/2333.1/rfj6q5dp>

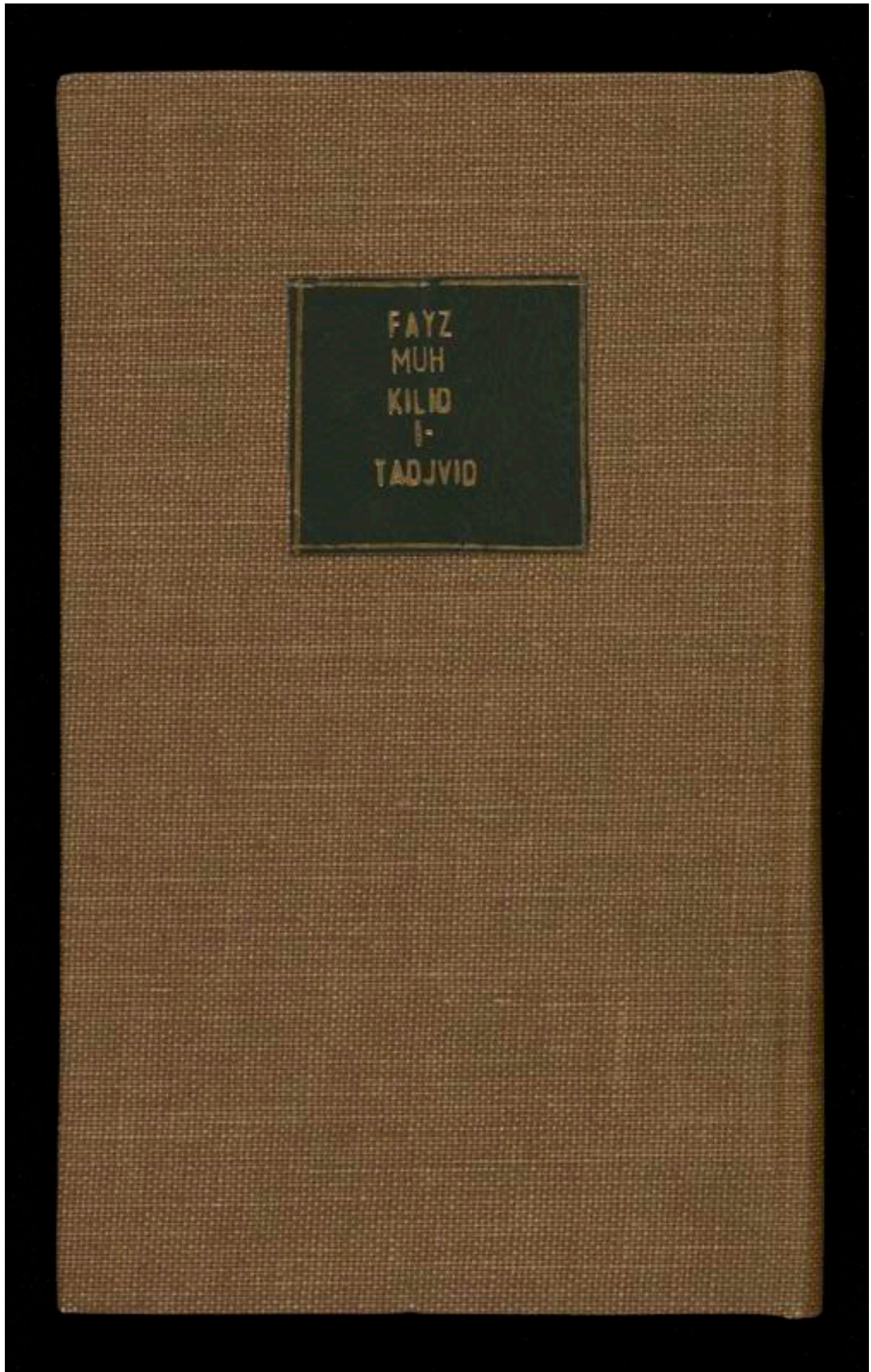


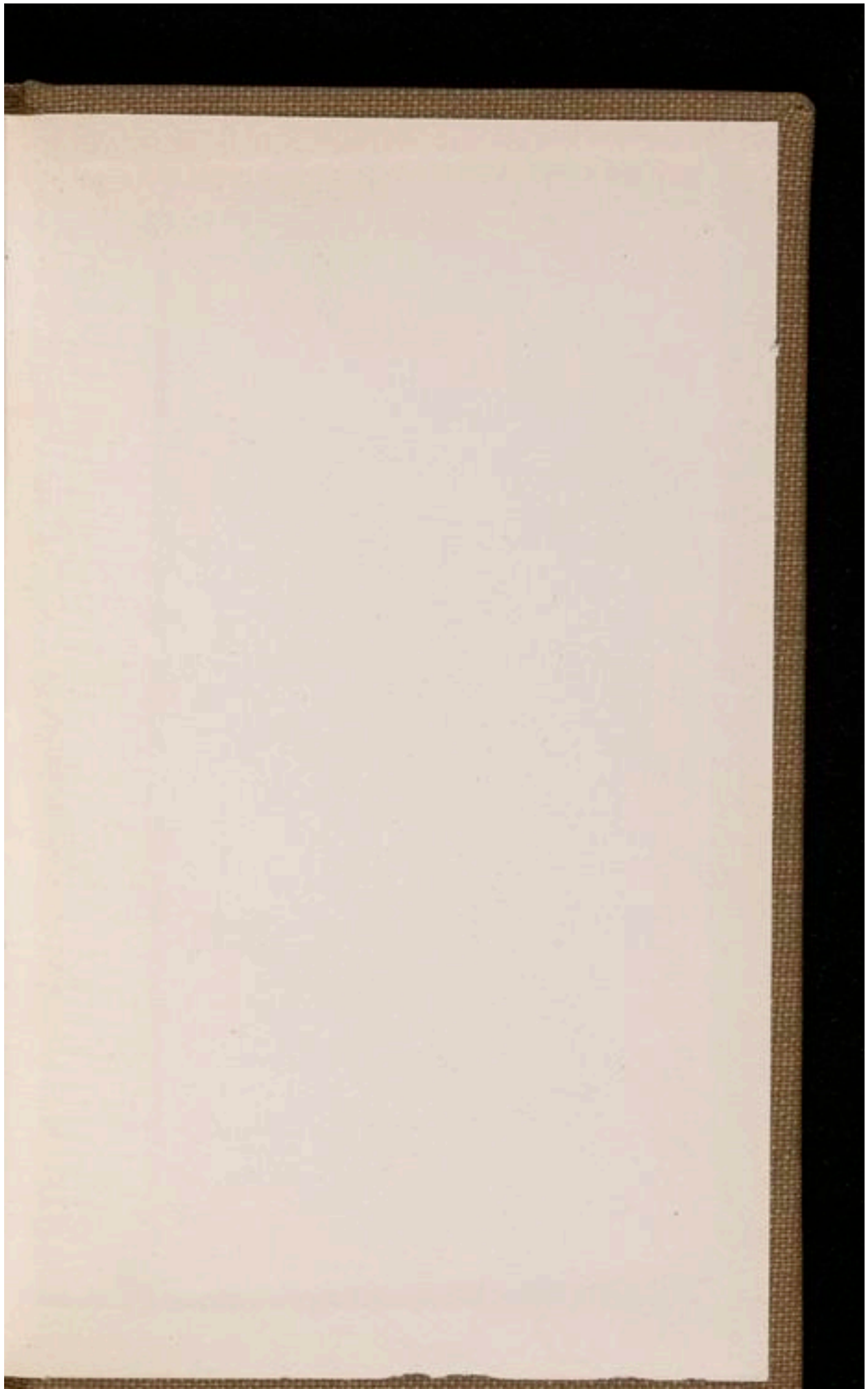
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

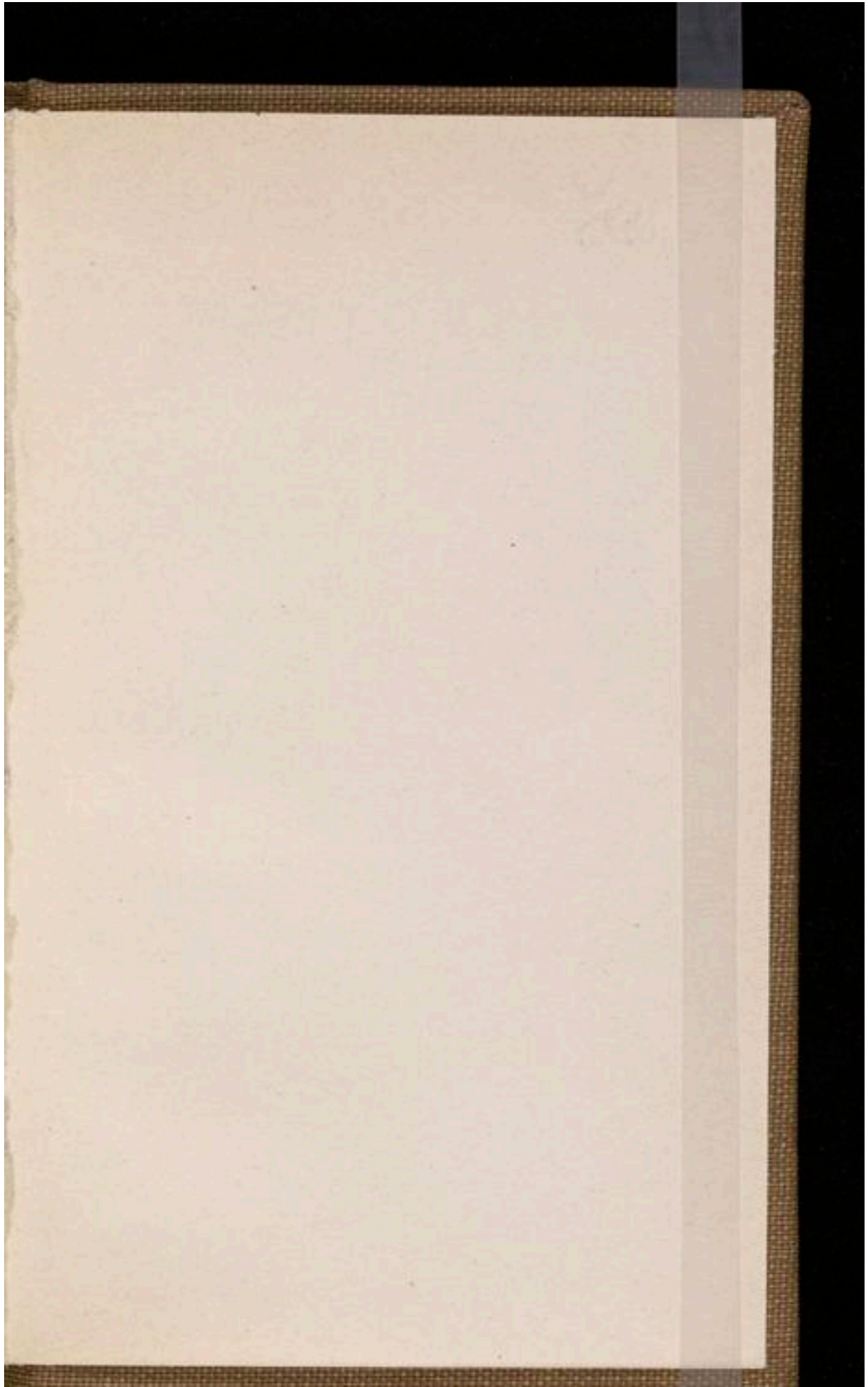




Emâm Sajâwandi Lōgar

- Kelid-e tajwid

1304/1325 d.e.



H871

46194

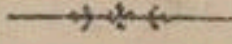


کَلِيدُ الْجَوَابِ

(یادگار امام سجاوندی کوگری از یک وطندارش)

برای

معلمان ابتدائیه و متعلمان رشیدیّه

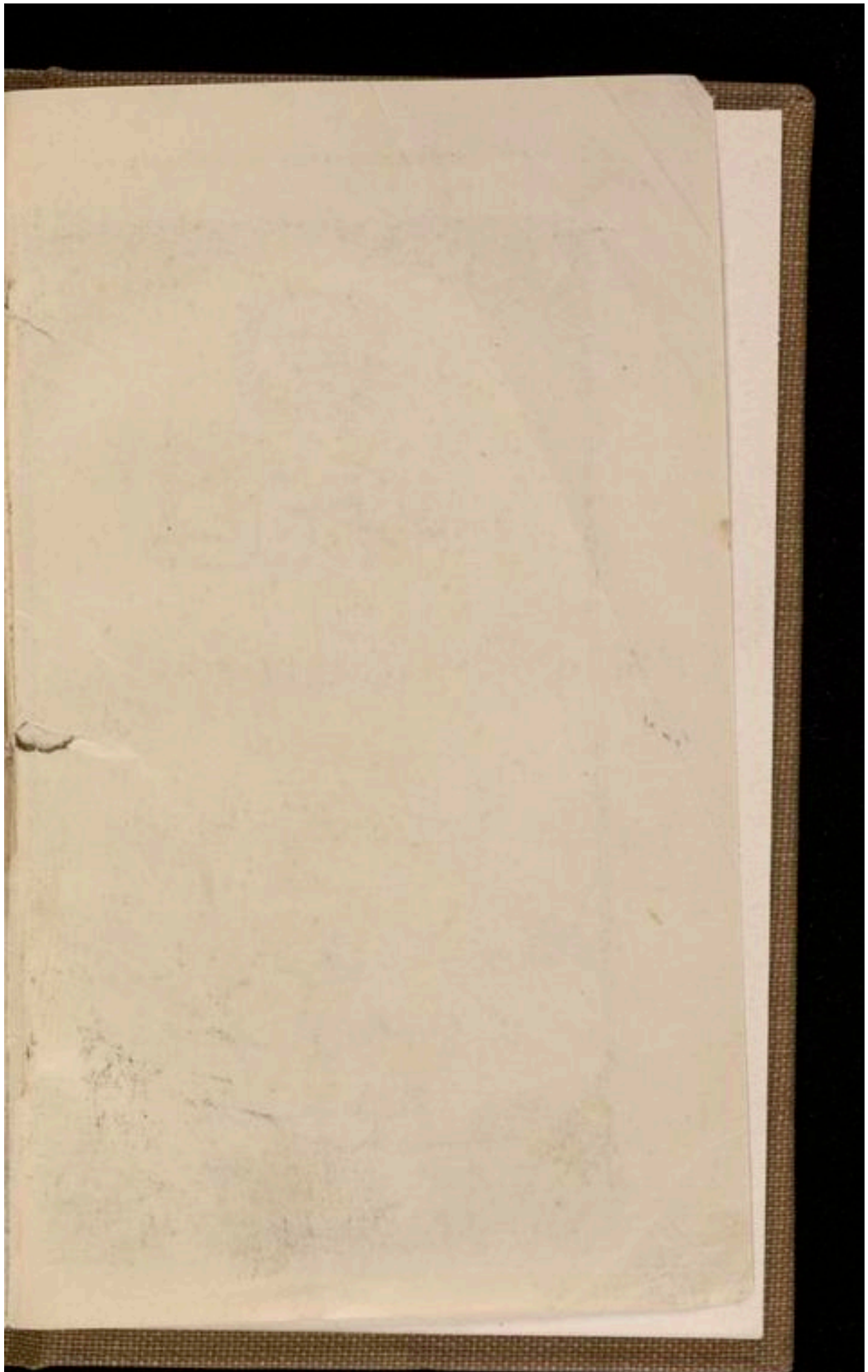


بتصنیف و تالیف حاج فیض محمد خان وزیر معارف

در مطبع شرکت رفیق ریور طبع و بر کرد

جذہ ۱ - سنہ ۱۳۰۴

تعداد طبع ثانی (۱۲۰۰) جلد



اعلام

معلم باید فقط آن امور را بطلب نشان بدد که در زبان
فارسی یا افغانی آنها پیشتر یاد ندارند، مثلاً مخارج
حروف مخصوص عربی و صفات حروف مانند:
س، ل و غیره احوال مختصره و نون ساکن
و تنوین و ذکر مجمل اوقاف و بیان سرسری خصوصیتها
رسم خط آموختن اصطلاحات برای طلبه هیچ
ضرورت ندارد، چون صرف و نحو خوانند خود یاد میگیرند،
این کتابچه مقصود است برای معلمان جماعتها و ابتدائیه
و متعلمان رشیدی.

تمهیدات تجویف

این علم بر مخارج حروف و صفات آنها و حالات

وقف وابتداء وصل وادغام و حروف مد
و غیره بحث میکند، در کلام الهی هر حرف یک کلمه
بدیگر حرف آن، و هر کلمه آیت بدیگر کلمه آن بذریعہ تعلق
حرف آخر یک لفظ با حرف اول دیگر لفظ متصل است
این اتصال و اجتماع کلمات و آیات بر اقرائت
قواعدی دارد که درین اوراق بیان شده، چونکه
بمد و اینها قرآن مجید صحیح و صاف خوانده میشود
لهذا فن تجوید را فرض قرار داده اند، زیرا که حکم
خداوندیست وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا
قرآن را واضح و درست بخوان .

— — —

مخارج حروف

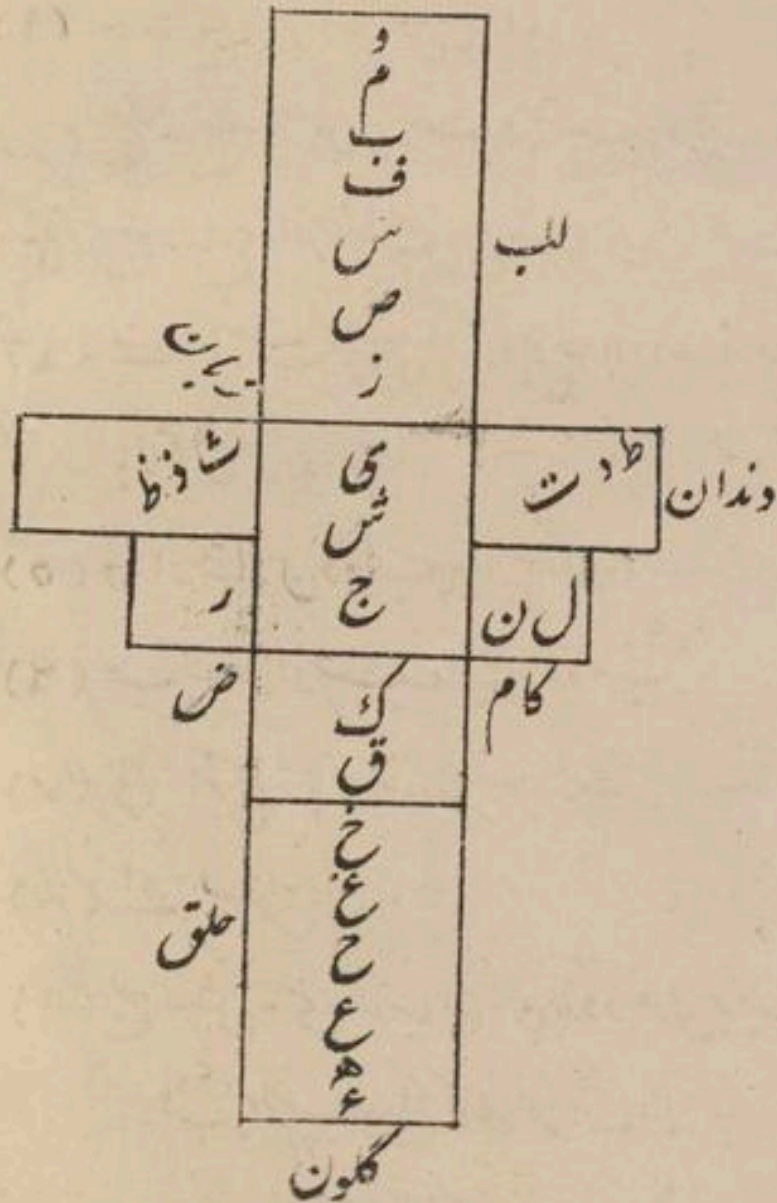
از جمله حروف عربی، بیست و هشت حرف را
صحیح میگویند، و سه از آنها یعنی و، ا، ی را علت
یعنی بیست و هشت حرف آواز پوره دارند و سه
ناقص؛ حروف صحیح بمرکت دو حصّه دمان تلفظ میشوند
و علت فقط از یکی یعنی تا وقتیکه اول حرف صحیح
نباشد حرف علت خوانده نمیشود.

و، ا، ی آنوقت حروف علت میباشند
که بر اینها سکون بیاید مثلاً در نور، نار، فی در وقت
ان، یا، هر سه صحیح اند زیرا بخود آواز پوره میدهند.
الف همان وقت است که ساکن باشد،
چون در زبان بر آن نیفتد و رتبه همزه گفته میشود.

ح

مثلاً در الله رأس .

و زبان



از روی این نقشه تمام مخارج هفتده میشود :-

(۱) ۶- ۵ از آخر حلق میبراید .

(۲) ح- ۴ از میان حلق میبراید .

(۳) خ- ۳ از قریب حلق میبراید .

(۴) ف از لب زیرین میبراید چون دودند آن
بالا بان بخورد .

(۵) و از کشادن دلب پیدا میشود .

(۶) ب- م از چپیدن هر دلب (۹) .

(۷) ق از بیخ زبان میبراید .

(۸) ك پسترازان .

(۹) ج- ش- ی از میان زبان بعد کلام میبرایند .

لب بهم چپداگر گوئی محمد از زبان
هست نام رحمة للعالمین شیرین جان

(۱۰) ض از آخر زبان بطرف چپ دند انحصار باو

در از می برآید .

(۱۱) ل از سر زبان چون بسه دندان بالا بخورد و

حرکت کند .

(۱۲) ن از کتاره زبان بدو دندان بالا خورده .

(۱۳) سر از پشت زبان که بکام مائل میشود .

(۱۴) ت - ط از نوک زبان چون به دند انها بر

بالا میخورد .

ت از پس شیدن لب و ط پیش .

(۱۵) ث - ذ - ظ از نوک زبان چون از سر

دند انها بر بالا بگذرد تلفظ اینها مائل طرف

چپ است و در ظ لب پیش می آید .

(۱۶) ز - س - ص از نوک زبان می برآیند

درص بسیار پیش میسرود .
 (۱۷) در حالت غنّه درشتی تلفظ زائل شده مخرج
 پنج معنی میباشد .

این مخارج مجزاً پنج قسم است :-

خلق	شفوی	لهوی	مسنی	اسلی
ازخلق	ازلب	ازکام	ازدندان	اززبان
احخ ع	ب ف م	ج ق ک	ت ث د ذ	ر ز س ص
غ ه	و	ی	ط ظ ل ن	ض
این قسم را قمری نامیده اند یعنی اگر ال				
قبل از اینها بیاید ل خوانده میشود مثلاً				
نخستین و بلکه ششمی آید				
القمر والکتاب				
النجم والشمس				

صَفَاتِ حُرُوفِ

چونکه مخارج کمیت یعنی اندازه حروف نشان
میدهد، صفات کیفیت آنها را بیان میکند و این
دو قسم است: لازمی و عارضی.

صَفَاتِ لَازِمِیِّ

این صفتها ئیست که در نفس حروف مدام میباشد
بتعداد و مفعده است:-

(۱)

مهموس یعنی حروفی که در آن آواز آهسته
باشد و اندک پنهان.

ش خ س ش ع س ف ك ه (ده حروف)

۹

(۲)

جهر یعنی حرفی که آواز شان آشکار است سوا
مهموس همه جهر خوانده میشوند (همجده حروف)

(۳)

درین هفت آواز سخت می باشد: ب ت
ج د ط ق ک .

(۴)

{ در ع ل من سختی دارند مگر ک ت ر
(۵)
باقی پائزده رخاوت یعنی سستی آواز دارند }

(۶)

{ درین حروف که مستعلیه میگویند آواز بلند میشود
خ - ص - ض - ط - ظ - غ - ق }

۱۰

(۷)

بیت و یک حرف باقی مستفاد گفته میشوند و در
آواز شان پستی میباشد.

(۸)

{ حروف مطبقة یعنی با آواز پیوسته و مستعجیه داخلند
ص - ض - ط - ظ }

(۹)

(باقی بیت و چهار حروف کشادگی آواز دارند)

{ این شش حروف مذلقه گفته
میشود در آواز آنها لغزیدگی میباشد
ب - ر - ف - ل - م - ن }

(۱۱)

باقی بیت و دو حروف مصمته در آواز ایستادگی دارند

۱۱

یعنی برعکس لغزیدگی .

(۱۲)

{ حروف صغیر صدای پرندگی دارند
در ز س ص ذ آ و از زنبور س از
ملخ ص از مرغابی . }

(۱۳)

این پنج حرف صفت قلقله یعنی جنبش آواز
دارند ب ج د ط ق .

(۱۴)

در آواز شین انتشار و پراگندگی میباشد .

(۱۵)

ض صفت تطیل یا درازی آواز دارد .

...

۱۲

(۱۶)

سر ل صفت انحراف دارند یعنی آواز اینها
از یک طرف به دیگر طرف میگردد .

(۱۷)

سر - صفت اخفا دارد یعنی آوازش ظاهر نمیشود
بیش نیست که در تلفظ صدای دو (سر)
برآید و در تشدید زائد از دو نشود .

از صفات مذکوره معلوم شد که هر حرف
پنج صفت دارد و بعضی زیادتر مثلاً حروف جهر
و رخاوت و مستفله و مصمتیه پنج کیفیت دارند
و حروف اخفا که برعکس اینها آوازشان است
موصوف بزاده تر از پنج صفت اند چون حروف
صغیر و غیره .

۱۳

جگهر : ع ب ج د ذ ر ز ض ط ظ ع غ ق ل م

ن و ی .

مرخاوت : ث ح خ ذ ر ز س ش ص ض ط غ

ف ه ی .

مستفله : ع ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

غ ف ک ل م ن ه و ی + ن ه و ی

منفتحه : ع ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

ع غ ف ق ک ل م .

مصمته : ع ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض

ط ظ ع غ ق ک ه و ی .

حروف علت یعنی او ی ب ج ا ل س کون تابع

حرف ما قبل متحرک می باشد .

...

صفات عارضی حروف

برخلاف صفات لازمی صفات عارضی اگرچه
در قرائت دائم باشند لازم حرف نمیباشند :

(۱)

در حروف مستفله آواز پست و باریک می برآید
و مخارج بوقت تلفظ می افتد .

(۲)

در حروف مستعلیه آواز پر می باشد و هنگام
خواندن مخارج بالا می رود .

(۳)

حروف مطبقة زیاده تر پری آواز دارند و حروف
مستفله بعضی جایها باریکی آواز نمیباشند ،

مثلاً بعد از فتحه و ضمه ل باری آواز خوانده میشود
بسبب تعظیم در الله و الله ل ، آواز
پری دارد .

(۴)

سر باریکی آواز کم داشته میباشد الا اگر مکسور
یا ساکن باشد یا ما قبلش کسره بیاید لازم
و متصل و بعد از ان حرف س متعلی متصل نباشد
باریکت یا پست ادا میشود ، مثلاً :
(رِقَابٌ - رِضْوَانٌ - فِرْعَوْنٌ) در کلمه
فرق چونکه قاف مکسور است و آسانی در تلفظ
پایندی قاعده حاصل نمیشود ، لهذا باریکی و پری
آواز هر دو جائز است .

بغیر از این مقامات ، سر هر جا پری آواز دارد .

(۵)

حروف قلقله در محض سکون بهم با و از پر خوانده شود
و اگر بعد از آنها وقف بیاید پر تر میگرد و مثلاً
د در یلِد .

لین

از حروف علت اگر (و) و (ی) ساکن
ما قبل مفتوح باشد لین گفته میشود زیرا در آوازه اینها
نرمی پیدا میشود نه درازی که خاصه مد است همیشه
نیست که از (و) ضمه برآمده است و از (ی)
کسره و از (ا) فحه، لهذا اینها را موافق یکدیگر
یافته چون حرکات مخالف بیاید لین میگویند
و موافق را مد یعنی قبل از و ضمه و قبل از ی
کسره و قبل از ا فحه بیاید .

۱۷

مد

دو قسم است :-

مداصلی و مدفرعی

(۱)

اصلی

درین مد آواز موافق حرف میباشد یعنی قصر که برابر
دو حرکت است، اگر بعد از دوی (ا) همزه یا کون
نباشد مد اصلی یا طبعی گفته میشود مثلاً: **حَالٌ**
کَرِیمٌ - حَوْسٌ .

(۲)

فدعی

اگر بعد از حروف علت همزه یا سکون بیاید مد فرعی
میگردد باز مدسه حال دارد :- لارقم - وحیب - جائز .

۱۸

(۱)

کَلَامٌ

لازم آنست که بعد از آن سکون اصلی بیاید - یعنی
در حالت وقف و وصل سکون برقرار بماند اگرچه
لازمی باشد یا عارضی، این مد باز در چهار قسم منقسم
شده است .

(الف)

مَدَّ کَلِمَتِی

یعنی مد و ساکن در خود کلمه باشد مثلاً در ضَالِیْن
دو رازی مد و نیم چند یاسه چند یاسه و نیم چند مد اصلی است

(ب)

مَدَّ حَرْفِی

یعنی در حروف جداگانه باشد در آلَمَ لام و میم

۱۹

در تلفظ میان خود مد دارند و بعد از آن حرف ساکن است
حکم در ازیش مثل کلی هست .
باز این دو مد کلی و حرفی دیگر دو قسم دارند .

(ج)

مثقل یعنی بعد از مد حرف مشدوبیاید چون -
أَجْجَوْنِي ، أَذْكَرَيْن .

(د)

مخفف یعنی بعد از مد حرف ساکن محض باشد چون
أَلْثَن .

مدّ حرفی

در حروف مقطعه میآید که در ابتدا سه بعضی سوره است
برای این هشت حرف مخصوص است سه ص
ع ق ك ل من بجز ع این همه مدّه است .

۲۰

عین مثل مد طول یا وسط خوانده میشود یعنی برابر
سه الف یاد و نیم یاد و الف .

اگر یکی از این حروف خود دو حرفی باشد مد آن
اصلی است - ح ر ط ه ی ح م ی س
ط ه الّا .

از این معلوم شد که در حروف مقطعه پنج حرف
مد اصلی دارند و هشت مد لازم و یک الف
هیچ ندارد .

(۲) مد واجب

چون بعد از حرف مد هنره بیاید و هر دو در یک کلمه
باشند مد واجب است مثلاً جَاءَتْ شَاءَ
جِئْتُ سِئِلْتُ سَوَّيْتُ مقدار این برابر
لازم است یاد و چند یاد و نیم چند اصلی .

۲۱

این را و مد لازمی کلمی را مد متصل بهم میخوانند .

(۳) مد جائز

این مد سه قسم دارد :-

(الف)

منفصل

یعنی مد در آخر لفظ اول و همزه در اول لفظ آخر میباشد
و در میان وقف نه چون لَا اَعْبُدُ .

(ب)

بعد از مد کون عارضی یا وقف باشد مثلاً تَقْلَوْنَ
لَسْتَعِیْنُ .

(ج)

این را مد بدل بدین وجه میگویند که حرف مد بعد از همزه
بعوض دیگر همزه میآید مثلاً اَمِنْ اِمْكَانًا

اول الف بدل حمزه است و دوم یا - این سه را
جائز باین سبب میگویند که طول و توسط و قصر
هر سه مقدار جائز و روا است ، قصر برابر یک
الف یعنی دو حرکت می باشد .

نون ساکن و تنوین

اگر در آخر کلمه نون ساکن یا تنوین یعنی دو حرکت
بیاید و بعد از آن دیگر لفظ بغیر از وقف باشد
چهار صورت پیدا میشود ، اظهار ، ادغام ، خفا ،
اقلاب .

(۱)

اظهاس

اگر بعد از نون ساکن یا تنوین حرف حلقی باشد
تلفظ آواز ظاهرا پیدا میشود زیرا مخرج نون طرف

زبان است و مخرج حروف حلقیه ازین فاصله
 بعد دارد : اِنْ اَنَا - اِنْ هُمْ - مِنْ عِلْمِ -
 حَكِيمٍ - عَلِيمٍ - وَالْمُنْتَفِقَةُ - دَرَقِ خَيْرًا
 نَارُ حَامِيَةٍ - جُرْفِ هَا رَاظِ
 درین امثله حرفی که بعد از نون ساکن یا تنوین
 آمده است با و از ظاهرا هر جدا اند حرف ما قبل خوانده
 میشود .

(۴)

ادغام

ضد اظهار است که بجای جدا جدا خواندن هر
 حرف یکبارگی تلفظ میشود .
 بعد از نون ساکن و تنوین اگر یکی ازین شش
 حرف بیاید تشدید واقع میشود :-

المرنوی - ازین شش همراه چهار
حرف شد باغنه است و بدو حرف بدون کن
(الف)

م - ن - و - ی - غنه دارند چون ان نیشا
مِنْ نَذِيرٍ - نَصْرَةٌ نَعِيمٌ - عَنْ مَّا -
نَذِيرٌ مُّبِينٌ - مِنْ وَاوٍ - لَشَهِيدٌ وَاثِقٌ -
(ب)

مر ، ال غنه ندارند - مثل آن کن - هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ - مِنْ رَبِّكُمْ - غَرَضٌ رَّحِيمٌ .
اگر نون ساکن واو - یا در یک کلمه بیایند
ادغام نمی شوند ، یعنی علی حده خوانده میشوند
دُنْيَا - ضَوَانٌ -

۲۵

(۳)

اقلاب

آنست که در آن یک حرف بجای حرف دیگر
 بدل خوانده شود - اگر بعد از نون ساکن و تنوین
 ب بیاید اقلاب آن به م میشود مثلاً
 عَلِيمٌ بِمَا - مِنْ عِلْمٍ - درین آواز غنة هم
 پیدا میشود اما باخفا یعنی با هستگی و پوشیدگی.

(۴)

اخفا

یعنی تلفظ ما بین اظهار و ادغام ادا میشود اگر
 بعد از نون ساکن و تنوین این پانزده حرف
 بیاید آواز اخفا دارد :

ت ث ج د ذ ز س ش ص ض

ط ظ ف ق ك .
 أَنْذَرْتَهُمْ - يَوْمًا ثَقِيلًا - مَنُشُورًا -
 سُنْدُسٍ - رِيحًا صَرَصَرًا - يَنْفِرُونَ
 إِنْ كَانَ - إِنْ جَاءَ - مَنْ شَاءَ -
 إِنْ قَالَ . .

مِيم ساکن

سه حکم دارد - اخفا - ادغام - اظهار .

(۱۱)

اگر بعد از میم ساکن ب بیاید حکم اخفا دارد و این
 اخفا شفوئی میگوشند زیرا هر دو حرف از لب
 می بر آیند مثلاً عَلَيْهِمْ بِمَا .

(۲)

اگر بعد از میم ساکن دیگر میم متحرک باشد هر دو

۲۷

مدغم شده یکجا بیفت آواز به شد خوانده میشوند
مثلاً عَلَیْکُمْ مَکَا .

(۳۱)

باقی تمام حروف بعد از میم ساکن حکم اظهار
دارند - اگرچه و - ف در مخرج قریب اند
مثلاً اَلْعَمَّتْ عَلَیْهِمْ وَکَا .

میم و نون و قتی که مشد و باشند غنه زاید
میگیرند زیرا اینها حروف اعن بوده -
چون به تنهایی غنه دارند همان غنه را ادغام
دوچند میشود .

ادغام

(۱۱)

اگر دو حرف در مخرج و صفات یکی باشند

مثلین و اگر در مخارج یا در صفات یکی باشند جنسین
 گفته میشوند - ادغام درین هر دو صورت
 سے آید :

مثلین چون اخْرِبُ بَعْصَاكَ -
 اذْكُرْكَ - قَالَ لَهُمْ .
 جنسین چون قَالَتْ طَائِفَةٌ .

(۲۱)

ادغام در قریبین بعض جا یہاں سے آید مثلاً قَدْ سَمِعَ
 وَالصُّفَّتِ صَفًّا .
 قریبین آن دو حرف کہ در مخارج متفق باشند
 در صفات .

(۳۳)

شرط ادغام اینست کہ حرف اول ساکن باشد

۲۹

دوم متحرک مثلاً قُلْ رَبُّكُمْ قَدْ جَعَلَ

(۴)

اگر دو حرف اقسام مذکوره متحرک باشند بعضی
اینجا هم ادغام جائز میدانند مثلاً يَعْلَمُ مَا -
بَعْدَ ذَلِكَ .

(۵)

اگر حرف اول مطبقة باشد و دیگر مستفل
ادغام ناقص است زیرا حرف اول قوی است
و دوم ضعیف باید ضعیف در قوی محو نشده جدا
ماند^(۴) مثلاً در احطت -

(۴) خلیفه اول فرمود که ضعیف را از قوی

نگاه داشته در پناه خود جدا میگذارم .

۳۰

(۶)

اگر اول حرف مستقل است و بعده مستقل
ادغام میکنند زیرا اول بسیار عالی
نیست که ثانی را قافی بسازد **الْمَنخَلَقُكُمْ**
اینجا خواه صفت استعلا غالب شود یا نه یعنی
بلندی قاف به پستی کاف ظاهر باشد یا نه
هر دو جائز است .

(۷)

اگر نون در آخر لفظ اول باشد و (ی یا و)
در شروع دیگر لفظ ادغام می آید اما غنة نون
باقی می ماند مثلاً: **مَنْ يَشَاءُ - مَنْ قَالِ** .

همزه وصل

(۹)

۳۱

اگر ابتدا ساکن شود همزه وصل قبل از آن
می آرند و این وقت وصل دیگر لفظ حذف
میشود زیرا حاجت این نمی ماند چه به سبب
آسانی تلفظ عربی آورده بودند (+)

(۲)

اگر مضارع مضموم العین باشد همزه وصل هم
ضمه داشته میباشد ورنه کسره مثلاً از یَذْکُرُ
اَذْکُرُ و از دیگر الفاظ اِضْرِبُ و غیره .

(۳)

اگر همزه وصل در اول اسم بیاید و معرّف باللام

(۴) در اقفا فی ابتدا ساکن می آید اما فارسی زبانان جهت سهولت
تلفظ همزه وصل می آرند مثلاً مکالمه افغانان اولوا الغرم در اکبر
روایت شده یکی گفت این مرز و بوم اخلم در گفت
استان اخلم در اصل استانبول استانبول استانبول .

۳۲

نباشد کسره میگیرد چون ابْنُ امْرَأٍ اثْنَتَانِ.

(۴)

اگر لام تعریف بعد از همزه بیاید همزه مفتوح میگردد
مثلاً اللَّهُ الصَّمَدُ.

(۵)

اگر مابعد همزه وصل بلفظ ما قبل وصل شود همزه
می افتد و حرکت حرف آخر با سکون حرف
مابعد همزه پیوسته میشود مثلاً نَسْتَعِينُ
إِهْدِنَا اگر همزه خوانده شود ضمه نون برقرار
مماند.

لام

اگر ل در نفس فعل باشد در اول یا آخر
و بعد از آن حرف مثل یا جنش نباشد با ظها

۳۳

خوانده میشود مثلاً در قُلْنَا - قُلْتُ - وَالتَّقَى .

وَقِفْ وَابْتَدَأْ

وقف حرکت را ترک کردنست و یک لفظ را

بدیگر ناپیوستن .

ابتدا شروع کردن از سر یا خواندن بعد از

وقف را میگویند .

وقف در سه حال می آید :

(۱)

اضطرار یا حالت مجبوری یعنی وقتی که ضرورت

نفس گرفتن می افتد .

(۲)

انتباه یا آگاهی یعنی خواننده و متوجه شد

آن مقام را بخوبی بفهمد .

۳۴

(۳)

خستیار یعنی باراده خود وقف نمودن تا آواز
قطع شده یک لحظه آرام کرده شود این وقف
سه قسم دارد - تام، کافی، حسن.

(الف)

اگر کلمه آخری یک جمله بلفظ اول دیگر فقره
پیوستگی ظاهری نداشته معنی نیز آنها
ختم شود وقف تام است، اینجا ایستاده شدن
سبب تمام شدن معنی و نبودن تعلق لفظی
ما بین دو جمله ضروری است مثلاً در شروع
قرآن مجید بعد از اَوَّلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
وقف تام است زیرا بعد از آن پیوستگی لفظی
هم نیست و آیات مسلمانان با ختم رسیده آنها

۳۵

در باب کفار آغاز میشود نیز بعد از عذاب عظیم
تعلق لفظی بجا بعد نیست و انتهای آیات کفار شده
ابتدا بیان منافقان میشود .

(ب)

اگر پیوستگی لفظی نباشد و یک حصه معنی آنجا خلاص
شود وقف کافی است بسبب تمام شدن
یک مدعا ایستادن کفایت میکند و درست است
مثلاً در فاتحه بعد از یوم الدین و بعد از
نستعین در وقف کافی عبارت جاری میماند
هر چه در تمام تمام میشود چون ولا الضالین

(ج)

اگر یک لفظ بلیط معنی بگیرد و ابستگی ندارد اما
بذریعه حرکات پیوسته است وقف حسن است

یعنی نیکو - اگر این وقف آخر آیت بیاید و بعد از آن
ابتداء دیگر آیت کرده شود آنهم حسن است
و اگر بعد از آن آیت نو بنا شد ابتدا باید که پیش از
وقف نموده شود و اگر بعد کرده شود قبیح است
در الحمد لله وقف مابین لام و حاء بالکل جائز نیست
و در دال رواست اگر حاجت افتد در مابین
الله وقف حسن است و ابتدا بیا بعد قبیح
در نون عالمین ه وقف حسن است و ابتدا
به الرَّمْنِ الرَّحِيمِ هم حسن - چه دیگر آیت
بعد از آن شروع میشود - اذ قافیکه در حالت
مضطرب یا انتباه نموده شود قبیح است زیرا بغیر از
اشد جائز نیست چه در میان جمله واقع شده
معنی کامل نمی بخشد .

(رموز مروجہ اوقاف)

۹ انتہای آیت وقف پورہ است اگر

دیگر علامہ سرش نباشد .

لازم و ضرور است .

باید وقف کرده شود .

وقف کردن جواز دارد .

وقف تجویز کرده شده .

خصت وقف داده شد .

میگویند که اینجا وقف است .

حکم وقف داده شد .

مثل وقف سابق حکم است .

بہتر است کہ وقف نشود .

وقف نشود بی ضرورت .

۲ مر لازم

۳ ط مطلق

۴ ج جائز

۵ ز مجوز

۶ ص خص

۷ ق

۸ قف

۹ ك كذا

۱۰ صلے وصل ادلی

۱۱ لا نہی

۱۲ مع تعلق پیش تعلق کلام و کلمات هر دو

طرف است وقف هم

هر دو جائز است .

وقف نموده طلب آمرزش

کرده شود .

۱۳ غفان بخشش

وقف است بی گرفتن نفس .

۱۴ سکه ایستادن

خود حضرت برای مصلحت یا

۱۵ صلعم وقف نبی

ضرورت وقف فرمودند .

وقفی که بالاست حکم دارد .

۱۶ دو وقف

علامت رکوع و ربع و نصف و سیپاره و منزل

از خود الفاظا هر میشود .

سکه

(۱۱)
در موه کوف بعد از عوجا توین به الف مبدل شد

۳۹

پس معنی دیگر آمده قیما .

(۲)

در سوره یس بعد از مَرَقِدِ نَا - اذْكَ وَفَهِ
برای جوابیکه بعد از ان می آید .

(۳)

در سوره قیامه بر نوحی من تا که در آواز نزاع
سکوت و شکستگی ظاهر شود .

(۴)

در مطففین بر (بل) بعد از ان تا کیسه معنی است
سکته در الحمد و دیگر جایها درست نیست .
خصوصیات بعض حروف
بعض حروف مخالف تلفظ ظاهر خوانده
شده شوند .

(۱) مثلاً یَصْبُطُ هر جا س به آواز (س)

خوانده میشود .

(۲) بِصَطَّةً اگر با قبلیش فی الخلق باشد

آواز سین دارد و رنه بصاد خوانده میشود .

(۳) اگر پیش هَمْزَه دیگر هَمْزَه استغنی می

بیاید آواز آن نرم میگردد و یعنی هَمْزَه اول مانند
فَتْحَه میشود و تلفظ آن ما بین الف و هَمْزَه میباشد .

(۴) در محکم بِصَا به سبب اِمالِ آواز

الف بطرف (یا) مائل میگردد و تلفظ ما بین (الف)

و (یا) میشود .

(۵) در رِفِیه مَهَانَا - آواز (ه) اشباع

می پذیرد، یعنی دراز شده مثل (یا) خوانده میشود .

(۶) الْقِیمَ اشباع دارد اما الْقِیْه

خوانده میشود .

خصوصیات رسم خط

خطی که حضرت عثمان رضی الله عنه جامع قرآن در مصحف مجید
تحریر کردند در دنیا بے اسلامی مروج شد
و تشنیهات که اول داشت بهما نحال تا زمان
حاضر مانده و بوجه ادب و قدامت بران استقامت
ضروریست .

(۱) در ده جا بے اَنْ لَا جدا جدا نوشته است

و دیگر جاها اَلَا .
اَنْ لَا تَعْبُدُوا - اَنْ لَا يُشْرِكَنَّ - اَنْ لَا
تُشْرَكَ - وَاَنْ لَا يَدْخُلَنَّ - اَنْ لَا تَعْلُوا
اَنْ لَا يَقُولَ - اَنْ لَا اَقُولَ - اَنْ لَا

مَلْجَا - اِنْ لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ .

(۲) اِنْ مَّا در سوره یهود جدا جدا

نوشته است .

(۳) عَنْ مَّا عَلَّمَهُ عَلَّمَهُ نوشته است

اگر بعد از آن (نَهْوًا) است ورنه پیوسته
میباشد چون عَمَّا مِنْ .

(۴) مِنْ مَّا در سوره ناس و روم

جدا جدا آمده و در سوره منافقین هم بعضی جدا
مینویسند .

(۵) اَمْرٍ مِّنْ در سوره ناس و فصلت

و فوج و توبه از هر یک جدا نوشته است .

(۶) حَيْثُ مَّا بِرَبِّهِ اِیْکِیْکِ جدا آمده .

(۷) اَیْنَمَا در توبه و نحل یکجا نوشته اند

و در نسا و شعرا هم بعضی همچنین مینویسند.
 (۸) اگر قبل از لام جار (ما) بیاید بعد از
 هُوَ لَاءٌ و هَذَا و الَّذِينَ باشد جدا نوشته است
 مثلاً مَالٍ هُوَ لَاءٌ - مَالٍ هَذَا - مَالٍ الَّذِينَ.
 (۹) بعضی لا تحاین مناص مینویسند

تا بر (ت) وقف نشود.

(۱۰) کَا لَوْ هُمْ وَ نَرَوْ هُمْ هر دو متصل نوشته
 شده یعنی الف که بعد از صیغه جمع می آید نیامد.

(۴ و ت)

۴ که علامت تانیث است در بعض جایها به شکل
 (ت) آمده و فرق در قرائت باین آورده که وقف
 بر (۴) آواز (هـ) میدهد و بر (ت) آواز
 (۱) در سوره ناسه زخرف - اعراف -

روم - هود - کهف - بقر - رحمت نوشته است.

(۲) در سوره بقر نعمت آمده است و دوبار

در آخر سوره ابراهیم و سه بار در آخر سوره نحل و جای دوم

و عقور و در سوره های عمران - لقمان - فاطر -

طور - در کل جایها نعمت یا زده بار آمده .

(۳) لعنت - در سوره های نور - و عمران

بر کاذبین آمده .

(۴) اِمْرَأَتُ اگر بعد از ان نام شوهرش

باشد وزن با و مضاف باشد مثلاً اِمْرَأَتُ الْعَزِيزَةِ

اِمْرَأَتُ فِرْعَوْنَ آمده .

(۵) سُنَّتْ در فاطر و انفال و در غافر ضمر

در موضع ثانی نوشته است .

(۶) مَعْصِيَتُ در سوره مجادل آمده .

(۷) انبت - یقیت - فطرت -

هر جا که آمده .

(۸) قُرَّتْ اَعْيُنْ نوشته است چون

اعین مضاف الیه باشد .

(۹) جَنَّتْ در سورة واقعه و شَجَرَتْ

در سورة دخان آمده .

(۱۰) کَلِمَتْ در میان سورة اعراف .

اگر در کدام لفظ تا ، تانیث معلوم باشد و در مفرد
و جمع آن اختلاف باشد آن لفظ بر (ت) نوشته شود .

(استعاذه)

استعاذه بذریعه خواندن اعوذ بالله از شیطان
مردود پناه خوانستن است حکم آن از سورة نحل
گرفته شده : فَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ

بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . اگر که قرائت
بشنود باید که استعاذه به آواز جهر کرده شود
در میان نماز و تلاوت قرآن مجید آهسته - اگر
سامع نباشد اختیار است که بلند خوانده شود
یا آهسته .

(بِسْمَلَه)

بسمله بوسیله بسم الله بنام خدا شروع کرد .
در شروع سوره بسمله خواندن سنت است و
در میان سوره اختیار است خوانده شود یا نه -
چونکه بنام خدا است رحمن و رحیم شروع کرده میشود
و سوره توبه از غضب الهی پُر است در ابتدای آن
و در میان بسمله خواندن منع است .

(احادیث)

كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يَبْدَأْ بِسَمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَهُوَ أَبْتَرُ .

هر کار ضروری که از بسمله ابتدا نشود
پریشان میگردد .

چونکه علم تجوید فرض است برین ختم می شود .

بسم الله اوله و آخره

«تصدیق»

هین کتاب کلید تجوید را از اول تا آخر معانی
لکھ بر نشر و افادہ معلّسان ابتدا شد متعلّان
شدید مفید و مناسب دیدہ
سیف الرحمن قاضی سکر

٤٨



شَمْلَانِشِكْ

